

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای، خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.



## ۶ نقد شاکری نژاد به «عصر جدید»

یکه! اگر کسی در حوزه خودش متخصص است، می‌تواند در ژیمناستیک هم صاحب نظر باشد؟ دو! اندکی از افراد در حوزه بازیگری شرکت می‌کنند، حضور دو بازیگر چه ضرورتی دارد؟ سه! بخشی از استعدادها ورزشی است. می‌توانستیم از یک ورزشکار استفاده کنیم، چهار! کیی برداری صرف از برنامه پرمخاطب خارجی را صحیح نمی‌دانم، آنها در ترکیشان حتما یک خانم هست، حتما بازیگر هست، پنج! باید تعریف مشخصی از استعداد ارایه دهیم، اگر فردی به لحاظ ژنتیک آن را به بدنش جذب می‌کند، استعداد است؟ شش! خیلی از شرکت‌کننده‌ها همسخت نیستند، فاصله‌ها زیاد است و نمی‌دانم به چه شکل انتخاب می‌شوند.

تحلیل برنامه «عصر جدید» و داورانش در گفت‌وگو با محسن شاکری نژاد  
دکترای علوم ارتباطات و عضو هیأت علمی دانشکده ارتباطات صداوسیما

# سواد کدام داور به «حسینی» می‌رسد؟

به آقای حسینی «داور نجسب» می‌گویند؛ چون او سلبریتی نیست  
نقش آقای علیخانی را آن وسط نمی‌فهم

ریما محمدزاده | «اینکه یک آدم دانشگاهی باوجه فرهنگی و انقلابی در کنار بقیه داورها باشد، نشان از رویکردی است که می‌خواهد «عصر جدید» را بومی کند.» این را می‌گویند از انتقادهایی که به سیدبشیر حسینی می‌شود، گله می‌کنند: «به آقای حسینی «داور نجسب» می‌گویند، چون در همه جای دنیا چنین برنامه‌هایی با سلبریتی‌ها پیش می‌روند، اما او سلبریتی نیست، در صورتی که به نظر من جایگاه این فرد درست است.» محسن شاکری نژاد در این گفت‌وگو نقد جدی به «عصر جدید» وارد می‌کند و از ایرادها و اشتباهات آن حرف می‌زند. او نظرات جالبی درباره ترکیب هیأت داوران دارد. آن چه در ادامه می‌آید، شرح گفت‌وگو با این دکترای علوم ارتباطات و عضو هیأت علمی دانشکده ارتباطات و رسانه دانشگاه صداوسیماست.

اینکه در زمانی دچار خلأ بشویم و ایده‌های که بتواند مخاطب جذب کند، کمتر وجود داشته باشد و ما ناچار بشویم از برنامه‌های پرمخاطب خارجی الگو بگیریم، را به صورت نسبی می‌توان به آن نگاه کرد؛ نه الزام منفی است و نه مثبت، ولی باید این نکته را در نظر گرفت که چنین برنامه‌هایی باید بومی شوند.

● **فکر می‌کنید «عصر جدید» یک نمونه بومی شده موفق است؟**  
به نظر من هنوز زود است بخواهیم در مورد این برنامه قضاوت کنیم. تاجایی که من اطلاع دارم، تلاش می‌شود «عصر جدید» بومی‌سازی شود. مثلا حضور دکتر حسینی در هیأت داوران نشانه همین مورد است.

● **چون معمولاً تلنت‌ها سلبریتی محورند، بله در دنیا معمولاً چنین برنامه‌هایی سلبریتی محورند، یعنی این سلبریتی‌ها ایند که داور می‌کنند. اینکه یک آدم دانشگاهی باوجه فرهنگی و انقلابی در کنار بقیه داورها باشد، نشان از رویکردی است که می‌خواهد این برنامه را بومی کند. حضور دکتر حسینی، نقش‌هایی که در برنامه ایفا می‌کند و حتی نظراتی که ارایه می‌دهد.**

● **که معمولاً فراتر از جمله «بدم آمد» یا «خوشم آمد» اندیشه‌ورزی است که در دوره آقای فروغی تشکیل شد**  
تبدیل شدن آقای فردوسی پور به یک سلبریتی به صلاح «نود» و رسانه نبود

است...  
بله دقیقاً همین طور است.  
● **بیشتر در مورد ترکیب هیأت داوران صحبت کنیم.**  
در این ترکیب آقای عظیمی نژاد فردی است که موسیقی را می‌شناسد و به نظر من در جایگاه درستش قرار گرفته، چون بخشی از استعدادها، استعدادهای موسیقی‌اند. اما اینکه آیا اگر کسی در حوزه موسیقی استاد است، می‌تواند در حوزه ژیمناستیک یا موارد دیگر هم صاحب‌نظر باشد، محل تامل است. از طرف دیگر، فقط تعداد اندکی از کسانی که در این برنامه مشارکت داشته‌اند، در حوزه بازیگری و اجرا حضور دارند، خوب پس آیا حضور دوبازیگر ضرورتی دارد؟ در مورد دکتر حسینی اما چون ارتباطات خوانده‌اند و ارتباطات هم علمی است که می‌تواند همه این موارد را دربرگیرد، به نظر من واقعاً در آن میان موثر است.

● **اگر قرار باشد شما ترکیب هیأت داوران را بچینید، از چه حوزه‌هایی انتخاب می‌کنید؟**

من کیی برداری صرف از یک برنامه پرمخاطب خارجی را صحیح نمی‌دانم، مثلا در نمونه خارجی در ترکیب‌شان حتما یک خانم هست، حتما سلبریتی هست، حتما بازیگر و خواننده هست. در نمونه‌های خارجی داوران خودشان جذابند و خودشان مخاطب جذب می‌کنند، چون سلبریتی‌های برطرف‌داری‌اند. نمی‌خواهم تعرضی به هنرمندان داشته باشم، اما سلبریتی‌ها الزاماً در همه حوزه‌ها صاحب تخصص نیستند. چه بسا خیلی از آنها فقط در حوزه خودشان می‌توانند اظهار نظر کنند. مثلا در این برنامه می‌توانستیم از یک ورزشکار استفاده کنیم، چون بخش عمده‌ای از استعدادها در حوزه ورزشی است. به نظر من آید این نگاه که برنامه‌ای هست که داوران خودشان جذابند، چون سلبریتی‌اند، یعنی عین نمونه خارجی



## ۷ چهره‌ها از گفت‌وگو

● **احسان علیخانی**  
مثلا من نقش آقای علیخانی را آن وسط نمی‌فهمم. ایشان تهیه‌کننده برنامه است؛ اگر آن وسط برای اجرا نباشد چه اتفاقی می‌افتد؟ آقای علیخانی حتی در مورد آرای داوران اظهار نظر می‌کند و روی آنها تاثیر می‌گذارد؛ اصلا خودش می‌توانست جزو داورها باشد، به نظر من معنی وجود نداشت.

● **علی فروغی**  
با حضور آقای فروغی در شبکه سه نسل جوان در سطوح مدیریت این شبکه قرار گرفت و شوراهای اندیشه شکل گرفت تا برای جذب مخاطب بررسی‌های مختلفی انجام دهد. چنین ایده‌ای که از برنامه‌های جذاب دنیا الگو بگیریم، وجود داشت؛ «برنده باش» و «عصر جدید» الگوگیری از مشابه‌های خارجی پرمخاطب است.

● **سیدبشیر حسینی**  
سواد کدام یک از این داوران بزرگوار به آقای حسینی می‌رسد؟ چون دکتر حسینی شناخته‌شده نیست و به تعبیری سلبریتی محسوب نمی‌شود، ممکن است تک‌تک رأی‌هایش در جامعه واکنش داشته باشد؛ اما او ارتباطات خوانده و ارتباطات هم علمی است که می‌تواند همه حوزه‌های «عصر جدید» را پوشش دهد.

● **رویانونهالی و امین حیایی**  
در نمونه‌های خارجی داوران خودشان جذاب‌اند اما سلبریتی‌ها الزاماً در همه حوزه‌ها صاحب تخصص نیستند. من متعز به جایگاه آن بازیگران نمی‌شوم؛ اما فقط تعداد اندکی از کسانی که در این برنامه مشارکت داشته‌اند، در حوزه بازیگری و اجرا حضور دارند، پس حضور دو بازیگر چه ضرورتی دارد؟

● **آر باعظیمی نژاد**  
در این ترکیب آقای عظیمی نژاد فردی است که موسیقی‌رامی شناسد و به نظر من در جایگاه درستش قرار گرفته است؛ چون بخشی از استعدادها، استعدادهای موسیقی‌اند اما اینکه آیا اگر کسی در حوزه موسیقی است، می‌تواند در حوزه ژیمناستیک یا موارد دیگر هم صاحب‌نظر باشد، محل تامل است.

● **عادل فردوسی پور**  
تبدیل شدن آقای فردوسی پور به یک سلبریتی به صلاح نود و رسانه نبود. شاید همین ماجرا که ایشان را تبدیل به یک سلبریتی در عرصه فضای مجازی کرد، روی این تصمیم‌گیری بی‌تاثیر نبوده باشد. چار چوب یک برنامه ورزشی در رسانه پابلیک سرویس مشخص است؛ قرار نیست خارج از آن عمل شود.

● **به چه لحاظ؟**  
ایشان تهیه‌کننده برنامه است. اگر آن وسط برای اجرا نباشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ در نمونه‌های دیگر هم حتی مجری‌ای که روی سن و در کنار داورها اظهار نظر کند، نیست. آقای علیخانی حتی در مورد آرای داوران اظهار نظر می‌کند و روی آنها تاثیر می‌گذارد؛ اصلا خودش می‌توانست جزو داورها باشد. به نظر من معنی وجود نداشت اما اینکه در کنار داورها در اجرای برنامه حضور داران می‌فهمم.

● **ایراد دیگری هم هست؟**  
نکته‌ای که به خود آقای حسینی هم عرض کردم این است، فردی که تا به حال چنین ظرفیتی را در کشور نمایان نکرده و این برنامه‌ها معرفی می‌کند، می‌تواند به سلبریتی تبدیل شود و روی جامعه تاثیر بگذارد. باید متوجه این حواشی باشیم. ایراد جدی دیگر این است که ما باید تعریف مشخصی از استعداد ارایه دهیم؛ اینکه فرض کنید استعداد یعنی چه؟ اگر فردی به لحاظ ژنتیکی طوری است که آهن را به بدنش جذب می‌کند، استعداد است؟

● **با مامل اتفاقی که در قبال گروه آواز تهران یا اجرای فاطمه رادمشن افتاد که پیش از این شناخته شده بودند.**  
خدا خیرتان بدهد. ما باید ببینیم اگر این جواری است تک افرادی که در تیم ملی ژیمناستیک‌اند می‌توانند اینجا بیایند و اجرا کنند و برنده هم شوند. در صورتی که تعریف ما از استعداد چیز متفاوتی است. کسی که آهن به بدنش جذب می‌شود خیلی کاری نکرده که به این درجه برسد، پس استعدادش کجاست؟ از طرفی، به نظر می‌آید خیلی از موارد همسخت نیستند و من نمی‌دانم ملاک انتخاب‌ها چیست. فاصله‌ها زیاد است و من نمی‌دانم به چه شکل انتخاب می‌شوند. آیا صرف فیلمی که بفرستند، کافی است؟ به این شکل هر فردی می‌تواند به آنجا برود، یک دهن بخواند و نهایتاً

● **در مدتی که شاهد استقبال از برنامه «عصر جدید» بودیم، یکی از برنامه‌های پرمخاطب صداوسیما حذف شد. عده‌ای معتقدند که بولد کردن دستاوردها و مخاطب‌های «عصر جدید» در جهت کم‌رنگ کردن «نود» است؛ شما چه نظری در این مورد دارید؟**  
فکر می‌کنم این یک بحث مستقل است.

● **حق با شماست؛ اگر می‌خواهید این بحث را کنار بگذاریم.**  
نه؛ در همه جای دنیا برنامه‌های مجری محور هست. برنامه‌هایی داریم که مجری محورند و تعدادشان هم کم است. در این برنامه‌ها تهیه‌کننده و مجری یکی‌اند؛ مثل همین برنامه «نود» یا «ماه عسل». من در ابتدا گفتیم که ما رسانه پابلیک سرویس‌ایم؛ یعنی یک رسانه خصوصی محدود با مخاطبان خاص نیستیم، مخاطبان ما عموم جامعه‌اند و از قضا به تعبیر مقام معظم رهبری مهم‌ترین ابزار فرهنگی جمهوری اسلامی صداوسیماست. لذا در چنین ساختاری برنامه‌ها و مجری‌ها در چار چوب شبکه و رسانه‌ها عمل می‌کنند؛ مثلا اگر یک شبکه پابلیک سرویس را در نظر بگیریم، شبکه‌ای است که برنامه و مجری‌هایش در چار چوب قواعد و اصول آن شبکه عمل می‌کنند. وقتی «نود» را به عنوان یک برنامه ورزشی در نظر می‌گیریم، چار چوب‌های برنامه ورزشی کاملاً مشخص است؛

